



استقلال خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران*



مصطفی قاسمی حیدری** - دکتر بهناز اژدری***

دکتر مجید معصومی****

چکیده

استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در راستای منافع بلندمدت اسرائیل و آمریکا در منطقه و در تداوم تحقق اهداف استراتژیک و گسترش نفوذ آنان در مرزهای غربی ایران می‌باشد. حضور آنان در این اقلیم و حمایت همه‌جانبه‌شان از اقدامهای نظامی گروه‌های تجزیه طلب کومله، دموکرات و پژاک که در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای کردستان ایران استقرار دارند، موجب بحران قومی و تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران شده است.

هدف این تحقیق تبیین و بررسی نقش تهدیدهای سخت امنیتی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران می‌باشد و با بهره‌گیری از ابزار فیش برداری و روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که تهدیدهای سخت امنیتی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق چگونه موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران شده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استقلال خواهی این اقلیم از طریق تهدیدهای گروه‌های تجزیه طلب کُردی از جمله کومله، دموکرات و پژاک و تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا در این اقلیم زمینه‌ی نزدیکی گروه‌های تجزیه طلب کُردی و عوامل اسرائیلی و آمریکایی را به مرزهای غربی ایران فراهم کرده و موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران شده است.

کلیدواژگان:

مناطق کُردنشین ایران، استقلال طلبی کردها، اقلیم کردستان عراق، تهدیدهای سخت امنیتی.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه مصطفی قاسمی حیدری با عنوان «نقش استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در تهدیدهای امنیتی استان کردستان ایران (۲۰۱۷-۲۰۱۲)» و راهنمایی دکتر بهناز اژدری است.

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

*** نویسنده مسئول، استادیار عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران /

ایمیل: mailto:ajdari@iaubaft.ac.ir

**** استادیار عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

مقدمه

اقلیم کردستان عراق به دلیل داشتن مرزهای طولانی و رابطه‌ی قومی، مذهبی، نژادی، فرهنگی و زبانی با مناطق کُردنشین ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. با گسترش اختیارات این اقلیم که از ظرفیت‌های اقتصادی، منابع غنی نفت و حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار است، موجب گردیده تا گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی تحولات این اقلیم را به‌عنوان محور مباحث کُردی مورد توجه قرار دهند و این رویکرد جدید نقش به‌سزایی در هم‌گرایی آنان با کُردهای عراق داشته و بر اثر این تحولات مطالبات قومی آنان از دولت مرکزی مشابه آن‌چه که در این اقلیم اتفاق افتاده، افزایش یافته است. حضور اسرائیل و آمریکا در این اقلیم و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی آنان از گروه‌های تجزیه‌طلب کومله،^۱ دموکرات^۲ و پژاک^۳ که در این اقلیم و در نزدیکی مرزهای کردستان ایران پایگاه‌های متعدد نظامی و حضوری فعال دارند- موجب تشدید اقدام‌های نظامی آنان در مناطق کُردنشین ایران گردیده و مناطق مرزی کُردنشین را با بحران امنیتی مواجه ساخته است.

بر مبنای ابعاد امنیتی بیان‌شده در نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای بوزان^۴ تهدیدهای سخت امنیتی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق ابعاد مختلف امنیت ایران و سایر کشورهای دارای سکنه‌ی کُرد را تحت‌تاثیر قرار داده و قومیت را به معضلی کلیدی برای ایران و کشورهای دارای قومیت کُردنشین تبدیل کرده است. براساس این نظریه دو کشور ایران و عراق در یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای قرار دارند و هرگونه تحولی در یک عضو (اقلیم کردستان عراق) بر عضو دیگری (مناطق کُردنشین ایران) تاثیرگذار می‌باشد. بنابراین استقلال‌خواهی این اقلیم نقش بالقوه‌ای در تضعیف تمامیت ارضی مناطق مرزی کُردنشین ایران دارد. با توجه به آن‌چه بیان شد سؤال اصلی این مقاله این است که تهدیدهای سخت امنیتی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق چگونه موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران شده است؟ پاسخ احتمالی این است که استقلال‌خواهی این اقلیم از طریق تهدیدهای گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک و تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا در این اقلیم زمینه‌ی نزدیکی گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی و عوامل اسرائیلی و آمریکایی را به مرزهای کردستان ایران فراهم کرده و اقدام‌های نظامی و تجزیه‌طلبانه‌ی آنان موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق مرزی کُردنشین ایران شده است. در

^۱. Komeleh

^۲. Democrat

^۳. PJAK

^۴. Borders of Iranian Kurdistan

^۵. Buzan Regional Security Complex

این‌جا بحث نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای بوزان به‌عنوان چارچوب نظری تشریح گردیده است تا در قالب آن فرضیه‌ی پژوهش مورد آزمون قرار گرفته و تقویت شود. هم‌چنین نویسنده تلاش دارد از طریق روش تحلیلی- توصیفی به بررسی و تقویت فرضیه خود پردازد. روش تحلیلی- توصیفی تلاش می‌کند که شاخص‌های تجربی را در راستای تأیید فرضیه به کار گرفته و آن‌ها را به کمک استدلال عقلانی تحلیل نماید. البته اسرائیل در گذشته و براساس دکترین محیط پیرامونی و آمریکا نیز مطابق سیاست خاورمیانه‌ای خود با حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی به‌دنبال تجزیه‌ی کشورهای منطقه به‌ویژه عراق بوده که پس از اشغال عراق توسط آمریکا، اقلیم کردستان عراق نیز با تشکیل حکومت خودمختاری سیاست جدایی از دولت مرکزی و تاسیس دولت مستقل کُردی را درپیش گرفته و هدف اسرائیل، آمریکا و گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی نیز تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران و درنهایت تاسیس خودمختاری و جدایی این مناطق از دولت مرکزی مشابه آن‌چه که در عراق درحال شکل‌گیری است، می‌باشد. این پژوهش تلاش می‌کند این واقعیت را به کمک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای که برداشت موسع و چند بُعدی از مسائل امنیتی دارد و به‌نظر می‌رسد می‌تواند جواب‌گوی تغییرات به‌وجود آمده در مقوله‌ی امنیت باشد، ترسیم نماید. ضمناً مباحث مطرح‌شده نظرات پژوهشی خود مولف است و فصلنامه در جایگاه تأیید یا رد آن‌ها نیست.

۱- پیشینه تحقیق

موضوع اقلیم کردستان عراق و قدرت گرفتن کُردها پس از سال‌ها مبارزه‌ی طولانی بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه محققان قرار گرفته و در این باره پژوهش‌هایی درخصوص گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی و سیاست‌های اسرائیل و آمریکا نسبت به این اقلیم صورت گرفته است. برای مثال نبی‌الله روحی^۱ (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر ایران» بر پایه‌ی نواقح گرایانه (Rohi, 2014: 107-150) تأکید دارد: استقلال‌خواهی کُردها و تأثیر آن بر مناطق کُردنشین از تحولات مهم خاورمیانه‌ست و اسرائیل به بهانه‌ی حمایت از کُردها اهداف استراتژیک را دنبال می‌کند.

سیدعارف موسوی‌نیا^۲ (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر رسانه‌های اقلیم کردستان عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» (Mousavina, 2017: 1-18) به بررسی شکل‌گیری حکومت منطقه‌ای کردستان عراق به‌عنوان کانون تهدید- فرصت در مرزهای غربی ایران پرداخته است و تأکید دارد که فعالیت رسانه‌های گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی مستقر در کردستان عراق با

^۱. Nabiyallah Rouhi

^۲. Seiyed Aref Moosaviniya

بهره‌گیری از توان‌مندی‌های رسانه‌ای این اقلیم موجب تحریک کردهای ایران و تقویت تجزیه‌طلبی در این مناطق شده است.

محمد رجبی^۱ (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه اقلیم کردستان عراق در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه» (Rajabi, 2019: 27-52) معتقد است که آمریکا در طول تاریخ مطابق با سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود از تحولات اقلیم کردستان عراق در راستای کاهش نفوذ ایران در خاورمیانه و تامین امنیت و منافع اسرائیل بهره‌برداری نموده است.

ایزتین سومر^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌ی خیزش ملی‌گرایی در خاورمیانه‌ی مدرن: رویکردهای مقایسه‌ای ترکیه، اسرائیل و ایران» (Sumer, 2011: 1-29) به بررسی سیاست‌های سه بازیگر منطقه‌ای که با بحران قومیت‌گردد مواجه هستند، پرداخته و تاکید دارد که پس از موفقیت ناسیونالیسم ترکی و عربی اکنون زمان آن فرا رسیده و خاورمیانه ظرفیت آن را دارد تا ناسیونالیسم‌گرددی پا به میدان نهد و در این میان اسرائیل نیز به دنبال افزایش نفوذ خود و تهدیدزا کردن این منطقه برای اعراب و ایران می‌باشد.

گانتر سوفر^۳ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «بازگشت مسئله‌ی کردها» (Suffer, 2013: 54-78) به هم‌زمانی بحران داعش و کردها پرداخته و معتقد است میلیون‌ها کرد مدت‌هاست برای کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران تهدید بالقوه بوده و بحران داعش موجب شد که تهدید دیگری به نام استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق علیه امنیت این کشورها ظهور کند. این کشورها چاره‌ای جز برآورده کردن مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان و یا سرکوب شورش‌های کردها ندارند و در صورت برخورد خشن این پتانسیل در کردها وجود دارد که با ایجاد شبکه‌های زیرزمینی علیه دولت مرکزی مبارزه کنند.

پالاس‌کی گو^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «یک کردستان مستقل: آیا هنوز یک تخیل است یا یک فرصت واقعی» (Kigo, 2014: 62-81) به پیامدهای آن برای چهار کشوری که سکنه‌ی کرد دارند، پرداخته و افزایش اقدام‌های تروریستی در این کشورها را از نتایج استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق بر مناطق پیرامونی از جمله کردستان ایران می‌داند.

اگرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی تاثیر تحولات اقلیم کردستان عراق بر مناطق پیرامونی

¹. Mohammad Rajabi

². Iztin Sumer

³. Modern Middle East

⁴. Gunther Suffer

⁵. Palace Kigo

⁶. Surrounding areas

به‌ویژه مناطق گردنشین ایران صورت گرفته است، اما ایراد اساسی به این پژوهش‌ها وارد است که به شاخص‌های تهدیدهای سخت امنیتی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق (حضور گروه‌های تجزیه‌طلب کردی، اسرائیل و آمریکا در این اقلیم) که موجب تضعیف تمامیت ارضی کردستان ایران گردیده، کم‌تر توجه شده است، بنابراین پژوهش حاضر هم به‌لحاظ موضوع و هم به‌لحاظ چارچوب نظری با سایر نوشتارها متمایز می‌باشد و جنبه نوآوری این پژوهش را توجیه می‌کند و نتایج آن می‌تواند برای مراکز دانشگاهی، پژوهشی و حتی مراکز سیاسی و امنیتی مفید باشد.

۲- چارچوب نظری: مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای^۱

مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل، سطح تحلیل منطقه‌ای‌آرا به‌عنوان چارچوب خود انتخاب نموده و بدان متکی است. این نظریه مبتنی بر این فرض است که جنگ سرد^۳ جهان را به‌سوی ناامنی^۴ سوق می‌دهد. در این نظریه حرکت یک‌باره جهان به‌سوی ناامنی ناشی از تاکیدات مکاتب واقع‌گرایی^۵ و جهان‌گرایی^۶ می‌باشد. در واقع «واقع‌گرایی با برداشتی از دولت به‌عنوان تنها موضوع امنیت و جهان‌گرایی با تعبیری از نظام بین‌المللی به‌عنوان یگانه عامل امنیت از پیدایی حرکت‌های اصلی منطقه غفلت ورزیده، بنابراین از طریق فهم کارکرد واحدهای مجزا نمی‌توان امنیت‌شان را درک کرد و باید به‌وسیله فهم پویای امنیت منطقه‌ای درک بیشتری از امنیت یافت. چراکه مسائل امنیتی کشورها در اشکال مختلف به‌قدری به‌هم گره خورده‌اند که امکان تحلیل جداگانه‌ی آن‌ها وجود ندارد» (Buzan and Waever, 2009: 55).

بوزان منظومه‌ی قدرت را تابعی از مناطق می‌داند و معتقد است که «منظومه‌ی قدرت توجه محوری به جایگاه مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آن‌ها در منظومه‌ی قدرت جهانی است و تحلیل‌ها نمی‌تواند در سطوح کلان و خرد پاسخ‌گوی مناسبی در تغییرات ایجادشده در ابعاد و مرجع امنیت باشد» (Buzan, 1991: 70). مطابق با این نظریه برای این که دولت‌ها یا واحدها از کیفیت مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای برخوردار باشند، باید تا اندازه‌ای از نظر امنیتی نسبت به هم وابستگی متقابل داشته باشند و برای تبدیل آنان به مجموعه‌ی متصل و درعین حال مجزای از مناطق امنیتی پیرامونی کفایت کند.

¹. Regional Security Complex

². Regional Analysis

³. Cold War

⁴. Insecurity

⁵. Realism

⁶. Globalist

بوزان و ویوور^۱ تاکید می‌کنند «امنیت هیچ کشوری متکی به خود نبوده و نمی‌توان صرفاً در سطوح ملی به تحلیل امنیت بسنده کرد. هم‌چنین سطوح بین‌المللی نیز بسیار کلی و فهم لازم از امنیت برای کشورها را ندارد. بنابراین سطح منطقه‌ای به‌عنوان سطح تحلیل مناسب بوده و مجموعه امنیتی منطقه‌ای هر دو مؤلفه‌ی ملی و جهانی را دارد» (Buzan and Waever, 2009: 55-56). در واقع هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده و هم از گستردگی بیش‌از حد گستره‌ی امنیت پرهیز گردیده و امنیت ملی و بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و بسیاری از حوادث هم در آن به‌وقوع می‌پیوندد. «مجموعه‌ی امنیت منطقه‌ای بوزان در واقع چارچوب مفهومی است که دربرگیرنده‌ی ساختارهای امنیت بین‌المللی یعنی مناطق است و شامل مدلی از امنیت منطقه‌ای می‌شود که براساس آن امکان تبیین و پیش‌بینی تحولات درون هر منطقه وجود دارد» (Moradi, 2019: 8).

از نظر بوزان و ویوور «ساختار بنیادین یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای چهار متغیر دارد: مرز^۲ که مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند. ساختار آنارشیک^۳ و مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده و قطبیت^۴ بیان‌گر ساختار و توزیع مادی قدرت در نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای و ساخت اجتماعی^۵ که مبتنی بر الگوهای دوستی و دشمنی^۶ میان واحدهاست. دشمنی به روابط میان واحدها اشاره دارد که در آن سوءظن و هراس غالب بوده، ولی دوستی به روابط میان دولت‌ها تا انتظار تامین امنیت تعریف می‌شود. آنان به تأثیرگذاری مباحثی چون مذهب، تاریخ، تمایلات قومی، فرهنگ و جغرافیا نیز در شکل‌گیری دوستی و دشمنی باور داشته» (Buzan and Waever, 2003: 50) و علاوه بر این چهار متغیر به شاخص نفوذ^۷ هم تاکید دارند که اگرچه از اجزاء یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای نیست، اما عناصر درون یک مجموعه را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد و حتی تغییراتی در آن ایجاد نماید. «نفوذ زمانی رخ می‌دهد که دولت‌های بیگانه بتوانند صف‌بندی امنیتی را با کشورهای ایجادکننده‌ی مجموعه‌ی امنیتی شکل دهند. این مهم از طریق منطق موازنه‌ی قوا که در هر منطقه وجود دارد، تسریع می‌گردد و شکل استاندارد مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای نیز الگویی از موازنه‌ی

¹. Buzan and Waever

². Boundaries

³. Anarchic Structure

⁴. Polarity

⁵. Social Construction

⁶. Pattern of Amity and Enmity

⁷. Infiltrate

قوا، ائتلاف و رقابت میان قدرت‌های اصلی منطقه می‌باشد که تاثیرگذاری نفوذ قدرت‌های بیگانه را باید به این الگو اضافه کرد» (Buzan and Waever, 2009: 58).

الگوهای دوستی و دشمنی که در میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک مجموعه‌ی امنیتی اهمیت دارند، به نظریه‌ی بوزان بُعدی سازه‌نگارانه داده و آن را از نظریات واقع‌گرایی مجزا نموده که تعیین‌کننده‌ی نوع الگوهای روابط حاکم بر کشورهای عضو یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای هستند. این مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای دلالت دارد بر این که «توزیع قدرت نه فقط برای تعیین الگوهای منازعه در منطقه یا نظام کافی نیست، بلکه دوستی‌ها و انزجار تاریخی که موجب همکاری و منازعه می‌شوند، در شکل‌گیری مجموعه‌ی فراگیری از دوستی‌ها، هراس و تهدیدهای تاثیر فراوانی دارند. بنابراین الگوهای دوستی و دشمنی متأثر از عناصری مانند تاریخ، فرهنگ، مذهب و جغرافیا بوده» (Buzan and Waever, 2009: 16) و در ابعاد مادی و معنوی دسته‌بندی می‌شوند. «بُعد مادی به اختلافات مرزی و رقابت قدرت‌ها برای سلطه‌ی منطقه‌ای و عامل معنوی هم به هویت، منازعات قومی- مذهبی و ایدئولوژی‌های معارض پرداخته و در مجموع مطالعات امنیت منطقه‌ای را در چهار سطوح مورد بررسی قرار می‌دهد. در سطح داخلی، دولت‌ها و آسیب‌پذیری‌های آن‌ها مدنظر می‌باشد. سطح منطقه‌ای به نوع روابط کشورها از تعامل تا تخاصم اشاره دارد و در ابعاد بین‌المللی به جایگاه تعامل مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای با قدرت‌های جهانی از منظر پویش‌های امنیتی مورد نظر است» (Osieur, 2015: 43).

مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای از این‌رو در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته که استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق^۲ ابعاد مختلف امنیت ایران و سایر کشورهای دارای سکنه‌ی کُرد را تحت تاثیر قرار داده و موضوع قومیت را به معضلی کلیدی برای ایران و کشورهای دارای قومیت کُردنشین تبدیل نموده است. بنابراین براساس نظریه‌ی بوزان دو کشور ایران و عراق در یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای قرار می‌گیرند و هرگونه تحولی در یک عضو (اقلیم کردستان عراق) بر عضو دیگری (مناطق کُردنشین ایران)^۳ تاثیر می‌گذارد. استقلال‌خواهی این اقلیم زمینه‌های هم‌گرایی مناطق کُردنشین ایران را با توجه به اشتراک فرهنگی، نژادی، قومی و مذهبی آنان با این اقلیم شعله‌ور ساخته و سبب گردیده تا مسئله‌ی قومیت از حالت عادی و سیاسی به مسئله‌ی امنیتی برای مناطق کُردنشین ایران تبدیل شود. در واقع تحول در اقلیم کردستان عراق و استقلال‌خواهی این اقلیم نه فقط نقش موثری در تضعیف تمامیت ارضی مناطق کُردنشین ایران دارد، بلکه همه‌ی ابعاد امنیت جمهوری اسلامی (مناطق قومیتی) را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

^۱. Constructive structure

^۲. Independence of the Iraqi Kurdistan Region

^۳. Kurdistan Province of Iran

۳- تاریخچه استقلال خواهی کردها

پس از تجزیه‌ی امپراتوری عثمانی و «در پیمان سور مقرر شد که به کردها خودمختاری داده شود» (Nikfar and et.al., ۲۰۱۸: ۷۱)، ولی این وعده‌ها عملی نشد و زمینه برای «ایجاد شکاف دائمی میان کردها و دولت مرکزی فراهم گردید» (Nasri and Rezaei, 2019: 173). «جریان قومی - کردی از جمله تحولاتی بوده که بعد از جنگ جهانی دوم از کردستان ترکیه و عراق وارد کردستان ایران شد» (Alaviyan and et.al., 2019: 34) و با مداخله‌ی اسرائیل و آمریکا موجب رشد و نفوذ سیاسی کردها در خاورمیانه گردید.

این اقلیم به واسطه‌ی تفاوت‌های زبانی، مذهبی، تاریخی و فرهنگی با اکثریت اعراب کشور عراق دچار واگرایی^۱ بوده و «دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور اقلیم و رویکرد بغداد به آن نیز که با محرومیت و سرکوب کردها همراه بوده» (Khosravi and Asadi, 2018: 19)، در گسترش واگرایی کردها از دولت مرکزی تاثیرگذار بوده است.

مهم‌ترین سندی که کردها را به رسمیت شناخته، «قانون اساسی موقت مصوب ۱۹۵۸ است که در ماده دوم آن عرب‌ها و کردها در خاک عراق شریک هم دانسته شده و در سال ۱۹۶۳ نیز قانون جدید تمرکززدایی^۲ با هدف دادن حق اختیارات رسیدگی به امور اداری و محلی در مناطق گردنشین به کردها به تصویب رسید» (Ghorbaninezhad, 2019: 565-566). آرزوی دیرینه‌ی کردها سرانجام در «مارس ۱۹۷۰ از رویا به حقیقت پیوست و کردها به موجب آن در مناطق گردنشین (اقلیم عراق) به خودمختاری^۳ دست یافتند» (Asim, 2019: 5). در این سند مقرر گردید زبان کردی به‌عنوان یکی از زبان‌های رسمی تدریس و امنیت شمال عراق^۴ هم به کردها داده شود، اما ملامصطفی بارزانی^۵ رهبر حزب دموکرات کردستان عراق به دلیل عدم ذکر نام کرکوک در

¹. Covenant of Sur

². Middle East

³. Divergence

⁴. Decentralization

⁵. Autonomy

⁶. Document

⁷. Northern Iraq

^۸. Mullah Mustafa Barzani: رهبران جنبش ملی‌گرای کرد در عراق و نخستین رهبر حزب دموکرات کردستان عراق می‌باشد که در ۱۴ مارس ۱۹۰۳ میلادی در روستای بارزان (کردستان عراق) به دنیا آمد و پس از سال‌ها مبارزه بر سر استقلال خواهی کردها و تاسیس دولت مستقل کردی سرانجام بر اثر ابتلا به سرطان ریه در بیمارستان جورج تاون واشنگتن (آمریکا) در اول مارس ۱۹۷۹ درگذشت. بعد از وی پسرش به نام مسعود بارزانی به‌عنوان رهبر حزب دموکرات کردستان عراق انتخاب شد (Valadbeigi, 2016: 86).

قرارداد مذکور این قانون را نپذیرفت» (Blanchard, 2017: 4).

سرانجام «بزرگ‌ترین خیزش توده‌ای کردها با حمله‌ی آمریکا به عراق آغاز گردید و اقلیم کردستان عراق به دو قسمت یکی استان «سلیمانیه تحت نظارت اتحادیه میهنی و استان‌های آربیل و دهوک تحت کنترل حزب دموکرات تقسیم گردید» (Sumer and Joseph, 2018: 3). استقلال خواهی کردهای عراقی سال‌ها بعد و با برگزاری همه‌پرسی استقلال^۳ در این اقلیم در «سپتامبر ۲۰۱۷ اگرچه با واکنش منفی دولت مرکزی^۴ و قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مواجه گردید، به اوج خود رسید» (Driscall and Baser, 2019: 2016). در واقع «فرآیند استقلال طلبی کردهای عراق را باید به‌عنوان نقطه عطفی در آینده خاورمیانه ارزیابی کرد، چراکه احتمالاً آغازی بر فروپاشی نظم سایکس پیکو خواهد بود» (Torabi and Taherizadeh, 2019: 13).

۴- راهبرد آمریکا و اسرائیل در زمینه استقلال خواهی کردها و تمامیت ارضی ایران

۴-۱- شاخص‌های تهدیدهای سخت امنیتی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق

نخستین نقش تهدیدهای سخت امنیتی استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در حوزه‌ی نظامی است که با انطباق مناطق مرزی کردنشین ایران با مرزهای جغرافیایی آن اقلیم، آسیب‌پذیری تمامیت ارضی مناطق کردنشین ایران آشکار شده و دشمن می‌تواند با سوءاستفاده از موقعیت جغرافیایی این اقلیم زمینه‌های تهدیدهای نظامی این مناطق را فراهم کند. هم‌چنین استقلال خواهی این اقلیم زمینه را برای نفوذ اسرائیل و آمریکا در این اقلیم فراهم کرده و اولین آثار آن تحریک کردهای سوریه، ترکیه و ایران برای تمایلات تجزیه طلبانه و وقوع درگیری‌های قومی میان آنان با دولت مرکزی بوده است. حضور اسرائیل و آمریکا در این اقلیم و حمایت از گروه‌های تجزیه طلب‌گر^۵ که پایگاه‌های متعدد نظامی در اقلیم دارند و راه‌اندازی سامانه‌های جاسوسی در

^۱ Patriotic Union of Iraqi Kurdistan: اتحادیه میهنی کردستان عراق در سال ۱۹۷۵ میلادی و توسط جلال طالبانی تاسیس شد. مرکزیت این حزب استان کردنشین سلیمانیه می‌باشد که بعد از فروپاشی حکومت صدام حسین و تشکیل حکومت خودمختاری در اقلیم کردستان عراق تحت نظارت این حزب درآمد (Abdulrahman, 2015: 151).

^۲ Iraqi Kurdistan Democratic Party: حزب دموکرات کردستان عراق در سال ۱۹۴۶ میلادی و توسط ملامصطفی بارزانی در بغداد تاسیس شد. مرکزیت این حزب استان کردنشین آربیل می‌باشد که بعد از فروپاشی حکومت صدام حسین و تشکیل حکومت خودمختاری در اقلیم کردستان عراق استان‌های آربیل و دهوک تحت نظارت این حزب درآمد (Valadbeigi, 2016: 125).

^۳ All Independence Polls

^۴ Central Government

^۵ Sykes Pico

مناطق مرزی گردنشین ایران موجب اشراف اطلاعاتی و نظامی آنان در این مناطق گردید. «سرویس‌های جاسوسی اسرائیل و آمریکا در سال ۱۳۸۲ مسئولیت آموزش نظامی و اطلاعاتی پیش‌مرگ‌های عراقی^۱ و گروه‌های تجزیه‌طلب کردی را به‌عهده گرفته و از آنان در راستای اهداف جاسوسی و نظامی در مناطق غربی ایران استفاده کردند. در اوایل ۱۳۸۸ شبکه‌ای از گروه پژاک در ایران شناسایی و پیشرفته‌ترین وسایل و تجهیزات جاسوسی ساخت اسرائیل از آنان کشف گردید. این گروه نیروهای خود را از طریق کشورهای عربی به اورشلیم اعزام کرده تا دوره‌های آموزش نظامی و اطلاعاتی را سپری نمایند. سیامند معینی^۲ از مسئولین پژاک در مصاحبه با روزنامه‌ی پست اورشلیم^۳ تلاش نمود تا با نزدیک کردن دیدگاه‌های پژاک به سیاست‌های اسرائیل، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی این رژیم را کسب کند. اسناد منتشرشده توسط ویکی‌لیکس^۴ در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که میردکان^۵ (از روسای موساد) براساس طرحی درصدی استفاده از کردها و اقلیت‌های قومی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوده است. مجله‌ی نیویورک تایمز^۶ آمریکا اعلام کرده بود سرویس جاسوسی اسرائیل و آمریکا خواهان ایرانی ناامن، بی‌ثبات و تجزیه‌شده در خاورمیانه است و تلاش می‌کنند در مناطق گردنشین ایران حکومت خودمختاری مشابه اقلیم کردستان عراق رخ دهد» (Abed, 2017: 3).

در سال ۱۳۹۱ گروهی با عنوان لشکر پیش‌مرگان کردستان با صدور بیانیه‌ای در آربیل با اعلام آغاز جنگ مسلحانه در مناطق گردنشین ایران، مردم کرد منطقه را در صورت همکاری با جمهوری اسلامی تهدید به مرگ نمودند. گروه دیگری به نام پارتیزانان جنوب^۷ اعلام کردند به‌زودی عملیات مسلحانه‌ای را در داخل ایران آغاز خواهند کرد. بنابراین مشاهده می‌شود ایده‌ی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق نقش به‌سزایی در احیای خیزش گروه‌های تجزیه‌طلب کردی در مناطق گردنشین ایران داشته است. «مسعود بارزانی در سال ۲۰۱۱ میلادی طی دیداری که با افسران ارشد دو سازمان اطلاعاتی موساد (اسرائیل) و سیا (آمریکا) داشته، پس از دریافت وعده‌های مالی و تسلیحاتی از این دو رژیم، منطقه‌ای را به وسعت سیصد هزار هکتار بدون اطلاع دولت مرکزی عراق در اختیار پژاک قرار داده بود تا پژاک از این منطقه برای ایجاد تشکیلات

¹. Iraqi Peshmerga

². Siamand Moeini

³. Jerusalem Post

⁴. WikiLeaks

⁵. Mirdakan

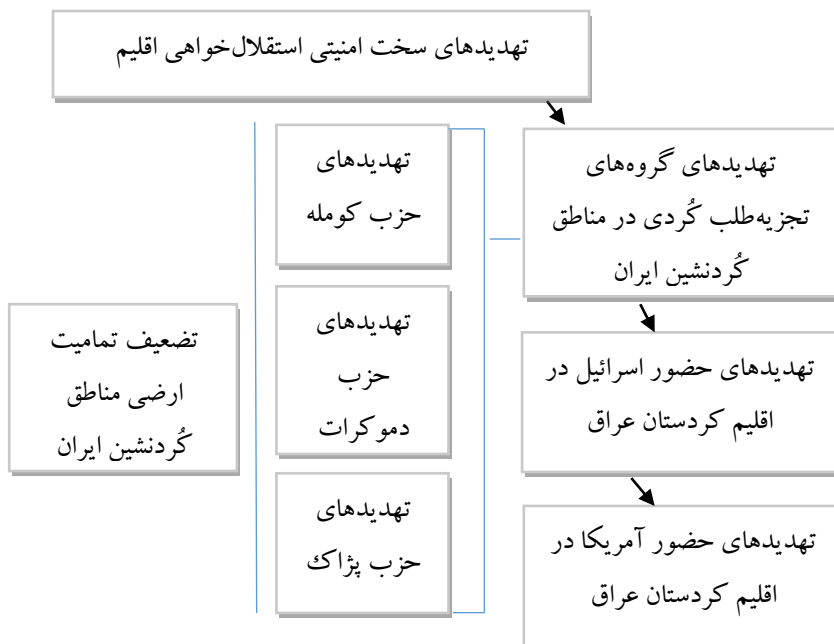
⁶. New York Times

⁷. Kurdistan Peshmerga Division

⁸. Southern Partisans

آموزشی، اداری و تدارکاتی برای انجام عملیات مسلحانه در مناطق گردنشین ایران و ضربه به ایران استفاده کند» (Cunningham, 2017: 6). باتوجه به موارد پیش گفته نمودار شاخص‌های تهدیدهای سخت امنیتی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق که موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق گردنشین ایران گردیده، به شرح زیر ترسیم می‌گردد.

نمودار ۱- شاخص‌های تهدیدهای سخت امنیتی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق



(Moradian, 2019: 55)، (Rajabi, 2019: 38)، (Yadervand and et.al., 2019: 35)

(Nadimi, 2017: 4) و (Zaki and et.al., 2019: 51)

۱-۱-۴- تهدیدهای گروه‌های تجزیه طلب کُردی در مناطق گردنشین ایران

مطالبات گروه‌های تجزیه طلب کُردی در مناطق گردنشین ایران علاوه بر تأثیرپذیری از ایده‌ی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق که باعث تقویت هویت کُردی در منطقه شده، به دلیل کاهش جدی اقتدار حکومت مرکزی عراق و متأثر از اقدام‌های تحریک‌آمیز اسرائیل و آمریکا هم بوده و زمینه را برای سوءاستفاده گروه‌های تجزیه طلب کُردی از موقعیت سیاسی و جغرافیایی اقلیم

¹. Hard Security Threats

کردستان عراق فراهم کرده است. «اسناد لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸ افشا نمود که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها امیدوار بودند اگر کردها و سایر گروه‌های قومی در راستای اهداف مشترک با همدیگر متحد شوند، می‌توانند جمهوری اسلامی را سرنگون سازند. آنان پس از انقلاب اسلامی مداوم به دنبال تحریک اقوام ایرانی به ویژه کردها برای فشار بر جمهوری اسلامی بوده‌اند. آمریکا برای رسیدن به چنین هدفی از احساسات ناسیونالیسم کردی، اختلافات مذهبی، فقر فرهنگی، اقتصادی و نقاط ضعف شخصیت‌های وابسته سوءاستفاده کرده و با کمک‌های نظامی و مالی درصدد بوده تا کشور ایران را تجزیه کند. بنابراین در راستای عملیاتی کردن طرح تجزیه‌ی ایران در همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب از طریق پیمان ناتو به حزب دموکرات کردستان ایران کمک مالی نمود» (Abdullahi Zia Al-Dini and et.al., 2019: 17). براین اساس تهدیدهای گروه‌های تجزیه‌طلب کردی به شرح زیر می‌باشد.

۱-۱-۱-۴- تهدیدهای حزب کومله

کومله در ابتدای پیروزی انقلاب به همراه سایر گروه‌های تجزیه‌طلب کردی خواهان خودمختاری مناطق گردنشین ایران بوده و با عملیات‌های نظامی و درگیری با سپاه پاسداران تلاش کرده این مناطق را تحت کنترل خود درآورد. آنان در یک «برنامه‌ی هشت ماده‌ای خواستار تصویب خودمختاری کردستان در قانون اساسی جمهوری اسلامی شده و تأکید نمودند به غیر از استان کردستان سایر مناطق گردنشین (استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام) نیز به قلمرو دولت خودمختار ملحق گردد» (Zaki and et.al., 2019: 51). کومله بر این باور بود که مناطق گردنشین ایران باید به دور از کنترل جمهوری اسلامی و تحت رهبری کمونیست‌ها باشد. «هدف اصلی کومله تجزیه‌طلبی و جدایی این مناطق از ایران و تاسیس دولت سوسیالیستی بوده است» (Ghaed Rahmati and Faal, 2018: 329). کومله معتقد است با وجود جمهوری اسلامی شرایط و امکان لازم برای تحقق دولت خودمختاری وجود ندارد. بنابراین پیروزی انقلاب اسلامی از موانع مهم بر سر راه احقاق حق اقوام کرد بوده و برای دستیابی به خودمختاری باید زمینه‌ی سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم کرد. با اشغال عراق توسط آمریکا شرایط فوق‌العاده‌ای برای کومله به وجود آمد و خود را با اهداف و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا نزدیک‌تر نمود. کومله با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی و جغرافیایی اقلیم کردستان عراق و حمایت همه‌جانبه‌ی اسرائیل و آمریکا تاکنون اقدام‌های ضدامنیتی متعددی را در مناطق گردنشین ایران به شرح زیر انجام داده است.

۱) پروژه‌ی تجزیه‌ی مناطق گردنشین ایران: کومله با پشتیبانی اسرائیل و آمریکا و با اقدام‌های

¹. NATO Treaty

نظامی به دنبال تصرف برخی از مناطق گردنشین می‌باشد و تاکنون درگیری‌های خونین زیادی با نیروهای نظامی ایران داشته است.

۲) پروژه‌ی ناامن‌سازی مناطق گردنشین ایران: کومله باور دارد با تداوم پروژه‌ی ناامن‌سازی همه‌ی مردم مناطق گردنشین ایران به توان‌مندی این گروه ایمان آورده و در صورت هم‌گرایی آنان با اهداف این گروه، انسجام نیروهای گرد گریز از مرکز افزایش یافته و تجزیه‌ی مناطق گردنشین ایران محقق خواهد شد.

۳) ایجاد رعب و وحشت: برخی از روحانیون اهل سنت مناطق گردنشین ایران به علت عدم‌همراهی با کومله و داشتن ارتباط با جمهوری اسلامی ترور شده‌اند.

۴) اخلال در عمران و آبادانی مناطق مرزی: حیات کومله در ناامن‌سازی مناطق گردنشین می‌باشد. این گروه با اقدام‌های تخریبی مانع از خدمات‌رسانی به مناطق مرزی گردنشین ایران می‌شوند.

۵) ترانزیت قاچاق مواد مخدر، مشروبات الکلی و قاچاق انسان: کومله یکی از مهم‌ترین ترانزیت‌کننده مواد مخدر در مناطق مرزی غرب کشور به‌ویژه در مناطق گردنشین ایران می‌باشد و بیش از ۵۰ درصد مشروبات الکلی وارداتی به داخل کشور^(۵) (Yadervand and et.al., 2019: 35) از طریق این گروه صورت می‌گیرد.

۱-۲-۴-۱- تهدیدهای حزب دموکرات کردستان ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حزب دموکرات کردستان با پشتیبانی اسرائیل و آمریکا حرکت‌های تجزیه‌طلبانه‌ی خود را با هجوم به پاسگاه ژاندارمری و پادگان مهاباد که مرکز تأمین مهمات سه لشکر و پادگان‌های تابعه در غرب کشور بوده، آغاز کرد و با تسخیر آن به انواع سلاح‌های سبک و سنگین (تانک و توپ‌خانه) دست یافت. حرکت‌های مسلحانه از مهاباد به سایر مناطق گردنشین ایران از جمله سنندج نیز سرایت کرد و پادگان ارتش با وجود مقاومت زیاد به‌همراه سلاح‌های موجود به‌تصرف تجزیه‌طلبان افتاد. «افرادی که از سوی امام خمینی^(ره) برای بررسی مشکلات منطقه تعیین شده و به سنندج رفته بودند، با پافشاری حزب دموکرات بر سر تجزیه‌ی مناطق گردنشین ایران و تاسیس حکومت خودمختاری در این منطقه موجب گردید تا هیأت اعزامی دست خالی به تهران برگردند. نیروهای قاسم‌لو که از غارت پادگان‌های ارتش به سلاح‌های سنگین مجهز شده بودند، به مراکز نظامی میوان و پاوه یورش برده و در پاوه همه‌ی نیروهای سپاهی زخمی در بیمارستان را سر بردند. حمله‌ی حزب دموکرات به پاوه به‌اطلاع حضرت امام^(ره) رسید و ایشان به تمام مراکز نظامی دستور پیش‌روی به پاوه و پاک‌سازی کامل این شهر را از وجود تجزیه‌طلبان گردی صادر کردند. با ورود نیروهای نظامی و مردمی به پاوه اندکی بعد قاسم‌لو به‌همراه نیروهای باقی‌مانده به عراق متواری و حصر پاوه شکسته شد. در میان

^۱. Drugs

نیروهای حزب دموکرات چهار جاسوس اسرائیلی قبل از این که از منطقه فرار کنند، توسط سپاه دستگیر شدند. پس از این حادثه بود که مهندس بازرگان گفته بود رهبری شورش مسلحانه در مناطق گردنشین ایران به‌عهده‌ی اسرائیل بوده است. پس از مدتی حزب دموکرات به شورای ملی مقاومت که هدفش براندازی جمهوری اسلامی بوده، پیوست و با سازمان مجاهدین خلق هم‌پیمان گردید» (Naderi, 2019: 222-223). این حزب در زمان جنگ عراق و ایران کارنامه‌ی همکاری با رژیم صدام را دارد و امکانات مالی و تسلیحاتی زیادی از سوی ارتش عراق دریافت کرده، هم‌چنین صدام به حزب دموکرات و کومله مجوز داده بود تا پایگاه‌های سیاسی و نظامی و مراکز آموزشی خود را در کردستان عراق و در نزدیکی مناطق مرزی گردنشین ایران تاسیس نمایند. «صدام در شمال عراق نیز امکانات رسانه‌ای در اختیار این حزب و سایر گروه‌های تجزیه‌طلب کردی برای تبلیغات علیه جمهوری اسلامی قرار داد تا با تحریک گردهای ایران زمینه‌ی شورش آنان علیه دولت مرکزی را فراهم کنند» (Moradbeigi, 2019: 174). این حزب تاکنون با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی و جغرافیایی اقلیم کردستان عراق و حمایت همه‌جانبه‌ی اسرائیل و آمریکا همه‌ی توان خود را به‌کار گرفته تا در مسیر تجزیه‌ی ایران و تشکیل حکومت خودمختار در مناطق گردنشین ایران حرکت نماید.

۱-۳-۴- تهدیدهای حزب پژاک

گروه «پژاک، شاخه ایرانی پ.ک.ک. (حزب کارگران کردستان ترکیه) که هم‌زمان با اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و برای فشار بر کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه تاسیس گردید» (Brandon, 2018: 2). اهداف درازمدت پژاک «تاسیس خودمختاری در کردستان، جدایی کامل مناطق گردنشین ایران و یک‌پارچگی آن‌ها با گردهای ساکن کشورهای عراق، ترکیه و سوریه می‌باشد» (Mousavifard and et.al., 2019: 4). «پژاک با پشتیبانی مالی و نظامی اسرائیل و آمریکا و برخی از کشورهای غربی با هدف ناامن‌سازی مناطق گردنشین ایران ایجاد شده و جولان می‌دهد» (Bora, 2017: 5). پژاک از میان گروه‌های تجزیه‌طلب کردی مهم‌ترین گروه نظامی و ابزار فشار اسرائیل و آمریکا بر ایران است که با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی و جغرافیایی اقلیم کردستان عراق و حمایت همه‌جانبه‌ی اسرائیل و آمریکا تاکنون اقدام‌های ضدامنیتی متعددی را در مناطق گردنشین ایران انجام داده است. «اسرائیل و آمریکا به این نیروی عمل‌گرا در مناطق کردی نیاز دارند تا بتوانند به‌راحتی سیاست خاورمیانه‌ای خود را در منطقه اجرا نمایند. این گروه اقدام‌های نظامی زیادی در مناطق مرزی گردنشین ایران انجام داده و نسبت به سایر گروه‌های تجزیه‌طلب کردی در ناامن کردن مناطق مرزی غرب کشور نقش اساسی داشته است» (Stansfield, 2018: 6).

¹. Pragmatic

این گروه با اقدام‌های خشونت‌آمیز خود در مناطق گردنشین ایران ضعف دولت مرکزی و توان تهاجمی‌اش را در میان کردهای این مناطق به‌نمایش می‌گذارد و «پس از حمله به اهداف تعیین‌شده به پایگاه‌های خود در اقلیم کردستان عراق برمی‌گردد» (Hawramy, 2020: 1). پژاک «از طریق قاچاق و کمک مالی دولت‌های هم‌سو با خود نه تنها در تامین تسلیحات با مشکل مواجه نمی‌شود، بلکه از آن‌جایی که دشمنی این گروه با جمهوری اسلامی در راستای منافع اسرائیل و آمریکا می‌باشد، سبب گردیده تا تسلیحات پیش‌رفته‌ای از آن‌ها دریافت نماید» (Moradian, 2019: 55). نیروهای آموزش‌دیده پژاک «با همکاری نیروهای اطلاعاتی و نظامی اسرائیل و آمریکا پیوسته از طریق پایگاه‌های خود در اقلیم کردستان عراق با هدف ترور و بمب‌گذاری در مراکز حساس و حیاتی مناطق گردنشین ایران به این مناطق تردد دارند. هدف این گروه از مطالبات قومی، استقلال‌خواهی و تشکیل خودمختاری از دولت مرکزی، تحریک مردم مناطق گردنشین، درگیری‌های قومی و مذهبی، ناامن‌سازی مناطق گردنشین ایران و ایجاد فشار بر ایران به نیابت از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد» (Nadimi, 2017: 4). یکی دیگر از تهدیدهای امنیتی پژاک در این مناطق فعالیت‌های سیاسی این گروه می‌باشد که از راهبرد تهاجم برای تثبیت این گروه در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی پیروی می‌کند. این گروه در راستای اقدام‌های سیاسی خود به دنبال برتری و تفوق فکری در مناطق گردنشین ایران می‌باشد که به برخی از این فعالیت‌ها اشاره می‌شود:

۱) نفوذ به دانشگاه‌ها: «پژاک با توجه به جایگاه مهم دانشجویان کرد در روشنگری مسائل و مشکلات جامعه‌ی کردی در میان دانشجویان کرد از نفوذ خاصی برخوردار می‌باشد.

۲) ارتباط با کشورهای غیرهم‌سو با ایران: «پژاک در راستای تامین اهداف و منافع خود از حمایت‌های سیاسی و مالی برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بهره‌مند است» (Mulhem, 2017: 5).

اسرائیل، آمریکا و «برخی دول غربی (آلمان، بلژیک و هلند) با سوءاستفاده از موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق در سامان‌دهی پژاک و اختصاص پایگاه‌هایی برای آموزش نیروهای این گروه نقش برجسته‌ای دارند. روزنامه‌ی جمهوری‌ت چپ ترکیه در سرمقاله‌ای با عنوان تماس محرمانه با سازمان تروریستی از ارتباط رهبران پ.ک.ک با سازمان سیا در عراق پرده برداشته و افزود که آمریکائیان از مسئولان پ.ک.ک تقاضا نموده در مبارزه علیه جمهوری اسلامی با پژاک همکاری نمایند. آمریکا تمایلی ندارد برگ برنده‌ای به نام کردها را بسوزاند و می‌خواهد از این برگ کردی در فرصت مناسب علیه ایران استفاده کند. فعالیت‌های اقتصادی

¹ . Assassination and bombing

² . Confidential contact with a terrorist organization

³ . P.K.K.

پژاک و خرید تسلیحات از دیگر تهدیدهای امنیتی این گروه در مناطق گردنشین ایران است که بخش اعظم آن از طریق اسرائیل و آمریکا تامین می‌شود. اما مهم‌ترین فعالیت اقتصادی این گروه قاچاق مواد مخدر است. پلیس اینترپل^۱ اعلام نمود که ۶۰ تا ۷۰ درصد مواد مخدر اروپا از طریق ترکیه وارد می‌شود و ۱۷۸ سازمان مافیایی^۲ تحت نظارت پژاک نقش مستقیمی در ترانزیت مواد مخدر دارند. دادستان کل آلمان اعلام داشته که ۸۰ درصد مواد مخدر مصرفی در این کشور به‌وسیله‌ی اعضای پژاک تامین می‌گردد. از آنجایی که مناطق گردنشین ایران پل ارتباطی پژاک با سایر کشورهای منطقه و اروپا می‌باشد، بنابراین یکی دیگر از منابع مالی این گروه قاچاق انسان از کشورهای منطقه به کشورهای اروپایی است» (Ghanbari and Bayat, 2019: 171). این گروه یکی از قاچاق‌چیان و تجارت‌کنندگان غیرقانونی سلاح در منطقه می‌باشد که پس از اشغال عراق فعالیت آنان نسبت به گذشته افزایش یافته است. باتوجه به موارد پیش گفته عنوان تهدیدهای گروه‌های تجزیه طلب کردی که موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق گردنشین ایران گردیده، در جدول شماره ۱ به شرح زیر نمایش داده می‌شود.

جدول ۱- تهدیدهای گروه‌های تجزیه طلب کردی در مناطق گردنشین استان ایران

ردیف	تهدیدهای حزب کومله، دموکرات و پژاک
۱	قرابت تفکر صهیونیسم و کردایتی (کردگرایی) در واگذاری مأموریت صهیونیسم به کردها
۲	تاثیر روانی تصویب نظام فدرالی در قانون اساسی عراق بر تشدید اندیشه‌ی تجزیه طلبی مشابه اقلیم کردستان عراق
۳	استقرار پایگاه‌های نظامی و نیروهای آموزش دیده در این اقلیم با هدف تهدیدزاکردن مناطق مرزی گردنشین ایران
۴	تشدید اقدام‌های نظامی آنان در مناطق گردنشین ایران پس از ایده‌ی استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق
۵	ترویج قومیت گرایی، تجزیه طلبی و تاسیس خودمختاری در مناطق گردنشین ایران و براندازی جمهوری اسلامی
۶	ناامن سازی و تصرف تدریجی مناطق مرزی گردنشین ایران با حمایت اسرائیل و آمریکا و سوءاستفاده از موقعیت جغرافیایی این اقلیم
۷	نفوذ در میان دانشجویان کرد با هدف روشنگری مشکلات جامعه‌ی کردی در مناطق گردنشین ایران

(Mulhem, 2017: 5)، (Nadimi, 2017: 4)، (Stansfield, 2018: 6)، (Ghanbari and Bayat,)

(Brandon, 2018: 2) و (2019: 171)

¹. Interpol Police

². Mafia Organization

³. Human Trafficking

۱-۲-۴- تهدیدهای حضور اسرائیل در اقلیم کردستان عراق

تامین و ثبات امنیت ملی جمهوری اسلامی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در گرو برخورد هوش‌مندانه با تهدیدی به نام اسرائیل در منطقه است. محمود عثمان رئیس فراکسیون کُرد مجلس^۱ عراق معتقد است که «نفوذ اسرائیل در اقلیم کردستان عراق به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و در زمان نزاع‌های تجزیه‌طلبانه‌ی اکراد با دولت مرکزی عراق برمی‌گردد و در آن مقطع این رژیم به دنبال تضعیف دولت مرکزی و هدایت کُردها برای استقلال‌خواهی بوده و در واقع با اشغال عراق توسط آمریکا گستره‌ی نفوذ اسرائیل بر این اقلیم و منطقه افزایش یافته است» (Wojnarowicz, 2017: 3). مهم‌ترین اهداف اسرائیل در اقلیم کردستان عراق به شرح زیر است:

(۱) «تقویت گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی با هدف موازنه‌ی قوا و ایجاد موانع در برابر نفوذ منطقه‌ای ایران.

(۲) پایش دولت‌های منطقه با استفاده از روابط نزدیک تنگاتنگ این رژیم با کُردها» (Heidari and et.al., 2018: 122-123).

گستره‌ی نفوذ اسرائیل بر اکراد منطقه و ایجاد هم‌گرایی میان آنان سبب گردید تا این رژیم با اهرم فشاری به نام «اقلیت کُرد بر کشورهای ایران، ترکیه و سوریه فشار وارد کند و از طرفی این هم‌گرایی میان اقلیم کردستان عراق با اسرائیل عاملی در جهت تقویت قدرت مانور کُردهای این اقلیم در برابر این سه کشور گردید» (Wahab, 2017: 2-3). اسرائیل در منطقه‌ی خاورمیانه به‌ویژه در مناطق کُردنشین سوریه، ترکیه، عراق و ایران سالیان متمادی فعالیت‌های وسیعی را انجام داده و در این میان با اقلیم کردستان عراق نیز از ادوار گذشته تاکنون ارتباطات و مراودات گسترده‌ای برقرار کرده است. هر دو طرف از این ارتباطات منافی را دنبال می‌کنند و کنترل ایران با حضور در این اقلیم و ناامن کردن عقبه‌های کشورهای مخالف اسرائیل از مهم‌ترین و محوری‌ترین اهداف استراتژیک این رژیم در تعامل با اقلیم کردستان عراق می‌باشد. «اهمیت این موضوع را می‌توان در استقرار گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک با وجودی که سران اقلیم کردستان عراق در مسائل متعدد نظامی و امنیتی با ایران تعاملاتی دارند، مشاهده کرد» (Mohammadi, 2018: 67). «سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی اسرائیل بی‌وقفه به آموزش کُردها در کردستان عراق به منظور شورش و اقدام‌های جاسوسی در ایران، سوریه و ترکیه و مقابله با نفوذ شیعیان و شورشیان سنی پرداخته و در واقع اسرائیل با تشکیل یک حکومت مستقل کُردی در خاورمیانه تلاش دارد زنجیره‌ی میان شیعیان را کاملاً قطع کند» (Akhavan Kazemi and et.al., 2018: 28-29). در واقع

¹. Mahmoud Osman

². Convergence

مهم‌ترین مسائل جمهوری اسلامی در ارتباط با استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق عبارت‌اند از:

- (۱) «اقدام‌های نظامی گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی در مناطق کُردنشین ایران.
- (۲) تاثیر ناامنی اقلیم کردستان عراق بر مناطق کُردنشین ایران.
- (۳) تاثیر تهدیدهای نفوذ اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان عراق بر امنیت مناطق کُردنشین ایران» (Liga, 2017: 5).

استراتژی اسرائیل در قبال اقلیم کردستان عراق از ابتدا تاکنون به‌ویژه سیاست این رژیم از دهه ۱۹۹۰ به بعد به شرح زیر می‌باشد:

- (۱) «ایجاد موانع در برابر نفوذ جمهوری اسلامی در شمال عراق با تسلیح گروه‌های تجزیه‌طلب کُردی و مشغول‌سازی ایران در داخل و جدار مرزها.
- (۲) توسعه فعالیت جاسوسی در شمال عراق و اشراف اطلاعاتی در مرزهای غربی جمهوری اسلامی.

- (۳) تعادل استراتژیکی به نفع اسرائیل در خاورمیانه با تجزیه و تضعیف دولت مرکزی عراق و تاسیس دولت مستقل کُردی در این اقلیم. فقط اسرائیل از ایجاد دولت مستقل کُردی در شمال عراق حمایت کرده است.

- (۴) تضعیف جمهوری اسلامی و مقابله با افزایش خطرات نفوذ آن در خاورمیانه به‌ویژه در لبنان. یکی از سناریوهای تامین‌کننده منافع استراتژیک اسرائیل در عراق تقسیم این کشور به واحدهای جغرافیایی کوچک‌تر و تشکیل دولت کُردی در شمال عراق می‌باشد» (Bengio, 2017: 3).

از دیگر تهدیدهای سخت امنیتی حضور اسرائیل در این اقلیم تحریک احساسات قومی و نژادی، پشتیبانی از احزاب تجزیه‌طلب کُردی با هدف ترغیب آنان به شورش‌های سازمان‌یافته و استفاده از قابلیت نظامی این گروه‌ها در مناطق کُردنشین ایران می‌باشد. برای اسرائیل از هر جهت اهمیت دارد که با حضور در اقلیم کردستان عراق به مرزهای ایران نزدیک شود تا پایگاه‌های جاسوسی خود را در این اقلیم و در نزدیکی مرزهای غربی ایران فعال نماید. «این رژیم در شمال عراق هدف‌های منطقه‌ای را دنبال می‌کند و می‌کوشد چتر امنیتی و اطلاعاتی در مناطق کُردنشین ایران ایجاد کند» (Dziadosz, 2017: 35).

حضور مداوم اسرائیل در شمال عراق، جمهوری اسلامی و مرزهای غربی آن را با تهدیدی به‌نام همسایه‌ی ناخوانده روبرو می‌کند. پراکندگی جغرافیایی کُردها، عملیات جمع‌آوری پنهان اطلاعاتی جاسوسان موساد را تسهیل کرده و حضور آنان در این اقلیم که منجر به توسعه‌ی نفوذشان میان کُردها گردیده، نشانه‌ی برنامه‌های بلندمدت این رژیم در شمال عراق است. حتی

¹. Uninvited Neighbor

اگر حضور آنان موقت باشد، باز هم تهدیدی جدی علیه ایران و ثبات منطقه می‌باشد. در واقع حضور اسرائیل در این اقلیم از تهدیدهای سخت امنیتی و به معنای حصر مرزهای غربی و شمال غرب ایران است. این رژیم تاکنون برای حفظ موجودیت خود در منطقه از شیوه‌های مختلفی از جمله «طرح قومیت‌گرایی و تحریک نیروهای گریز از مرکز در مناطق گردنشین استفاده کرده» (Khosravi, 2016: 174) و این شیوه در دکتترین اسرائیل به تبدیل دولت‌های منطقه به گروه‌های قومی و مذهبی کوچک مشابه آن‌چه که پس از سقوط امپراتوری عثمانی و تجزیه‌ی این امپراطوری دولت‌های کوچکی در منطقه به وجود آمد، مشهور است. در واقع یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ریشه‌دار اسرائیل برای حفظ موجودیت خود در مقابله با کشورهای منطقه طرح ایجاد تزلزل از طریق سازوکارهای تفرقه‌افکنی قومی و مذهبی می‌باشد و توجه به آن را یک ضرورت امنیتی برای موجودیت خود می‌داند. «هدف اسرائیل از این دکتترین تحریک احساسات قومیت‌های مختلف و آماده‌سازی تمایلات آنان به استقلال‌خواهی، تجزیه‌طلبی و تاسیس دولت مستقل می‌باشد و گروه‌های گریز از مرکز و جدایی طلب منطقه را در دست‌یابی‌شان به استقلال با تسلیح آنان یاری می‌رساند. از آن‌جایی که مرزهای جغرافیایی گروه‌های گریز از مرکز نامشخص و نامحدود و پیدایی آنان نیز براساس مشترکات قومی و مذهبی می‌باشد، در نتیجه به دلیل هم‌گرایی آنان با یکدیگر و واگرایی‌شان از دولت مرکزی سبب تزلزل دولت‌های ملی که در مرز جغرافیایی مشخصی قرار دارند، خواهد شد» (Majidyar, 2017: 4).

بنابراین اقلیم کردستان عراق که یک بخش کوچکی از کشور عراق می‌باشد، در صورتی که گردهای عراق به استقلال دست یابند، مطابق با این دکتترین (تبدیل دولت‌های منطقه به گروه‌های قومی و مذهبی کوچک) گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک که با حمایت مالی و لجستیکی اسرائیل و آمریکا در این اقلیم مستقر هستند و پیشینه‌ی استقلال‌خواهی و جدایی از دولت مرکزی چه در قبل و بعد از انقلاب را دارند، مشابه گردهای عراقی اقدام کرده، بنابراین زمینه‌ی واگرایی آنان از دولت مرکزی و هم‌گرایی آن‌ها با گردهای این اقلیم در دست‌یابی به اهداف مشابه افزایش می‌یابد. در نتیجه مناطق گردنشین ایران با خطر واگرایی از دولت مرکزی مواجه خواهد شد.

۱-۳-۴- تهدیدهای حضور آمریکا در اقلیم کردستان عراق

پیشینه‌ی روابط آمریکا با گردها را باید در «اصول چهارده‌گانه‌ی ویلسون یافت که در

¹. Ethnocentrism

². Centrifugal forces

³. The Ottoman E'mpire

⁴. Wilson

اصل دوازدهم به استقلال داخلی کردها در قلمرو امپراطوری عثمانی اشاره شده است» این کشور مطابق با دکترین نیکسون سیاست ناامن‌سازی و بی‌ثباتی کشور عراق تحت حمایت شوروی را پی‌گیری می‌کرده و گروه‌های مبارز کرد عراق نیز بهترین ابزار تحقق اهداف آمریکا در منطقه بودند» (Ahi, 2019: 80). «رویکرد دولت آمریکا در زمان جنگ سرد نسبت به کردها بی‌تفاوتی بوده، اما بعد از جنگ سرد به کردها توجه ویژه‌ای داشته و از آن‌ها حمایت کردند. سال‌ها بعد و در زمان دولت اوباما و ترامپ کردها انتظار داشتند تا با حمایت آمریکا به آرزوی دیرینه‌شان (تشکیل دولت مستقل کردی) دست یابند» (Rubin, 2019: 1).

حضور آمریکا در عراق یکی از مهم‌ترین تهدیدهای عراق جدید برای جمهوری اسلامی و زمینه‌ساز مشکلات فراوانی برای ایران می‌باشد. حضور آمریکا در عراق گذشته از تهدیدهای امنیتی زمینه‌ساز جلوگیری از گسترش قدرت نفوذ ایران در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی است» (Rajabi, 2019: 38). مسئله‌ی تهدیدهای امنیتی مناطق گردنشین ایران از مشکلات دیگری است که به حضور آمریکا در اقلیم کردستان عراق برمی‌گردد. «آمریکایی‌ها همواره با داشتن نیروهایی در مرزهای مشترک، زمینه‌ساز تهدیدهای امنیتی در مرزهای ایران بوده‌اند» (Ahmadian and et.al., 2018: 22). ایران از نگاه آمریکا بزرگ‌ترین تهدید امنیت ملی پیش روی این کشور و پیروزی ایران در عراق نیز به منزله‌ی افزایش قدرت منطقه‌ای ایران می‌باشد. استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق اگرچه به‌لحاظ ذهنی و عاطفی تاثیراتی بر کردهای ایران داشته و ناسیونالیسم کردی را در مناطق گردنشین ایران تقویت نموده، اما حضور آمریکا در این اقلیم حتی در سطوح متوسط و یا ضعیف هم مرزهای غربی کشور و تمامیت ارضی این مناطق را با تهدیدهای اساسی مواجه می‌کند. «دولت آمریکا با حمایت کردها زمینه‌ی سقوط صدام را فراهم کرد و دست آنان را بیش از سایر گروه‌ها در بازی‌های داخلی و منطقه‌ای باز گذاشته و آن‌ها نیز با استفاده از موقعیت و فرصت فراهم‌آمده حوزه‌ی نفوذ خود را افزایش داده‌اند» (Saleem, 2017: 4). هدف آمریکا از دخالت در مسئله‌ی کردها، پیش‌برد منافع استراتژیک خود در منطقه و در راستای منافع اسرائیل می‌باشد.

۱. اصل دوازدهم از اصول چهارده‌گانه ویلسون: «استقلال داخلی ملل تابع عثمانی (کردها، ارمنیان و آشوریان) و بین‌المللی کردن تنگه داردانل» (Naqibzadeh, 2019: 219).

۲. Nixon

۳. Regional Power of Iran

۴. Mental and Emotional

۵. Strategic Benefits

گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک در تحلیل‌های خود با اقتباس از وضعیت گردهای عراق نسخه‌ی فدرالیسم را برای ایران به‌عنوان گزینه‌ای مناسب معرفی و تبلیغ نمودند. در واقع تاسیس خودمختاری سبب گردیده تا مشروعیت دولت‌های دارای گروه‌های قومی و مذهبی زیر سوال برود و این اقلیم توانسته است اقداماتی را فراتر از مرزهای رسمی انجام بدهد و با برخورداری از منابع اقتصادی و اجتماعی توجه قدرت‌های خارجی را به خود جلب کند. به‌نظر می‌آید چنین اقدام‌هایی اگرچه در کوتاه‌مدت باعث سرنگونی دولت‌ها نمی‌شود، اما می‌تواند به‌مرور تغییرات قابل توجهی در سیاست‌های داخلی به‌وجود آورد و این کشورها را دگرگون و با بحران قومی مواجه کند. در واقع «استقلال‌خواهی این اقلیم تحت‌نظر آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی رقیب ایران هدایت می‌شود» (Dorsey, 2018: 66) و اقلیم کردستان عراق نیز با رویکرد تجزیه‌طلبی و استقلال‌خواهی توانسته محیطی را فراهم کند که فی‌نفسه برای تمامیت ارضی مناطق گردنشین ایران خطر آفرین باشد. با توجه به موارد پیش‌گفته عناوین تهدیدهای اسرائیل و آمریکا که موجب تضعیف تمامیت ارضی مناطق گردنشین ایران گردیده، در جدول شماره‌ی ۲ به‌شرح زیر نمایش داده می‌شود.

جدول ۲- تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان عراق

ردیف	تهدیدهای حضور اسرائیل و آمریکا
۱	تشدید حضور اسرائیل و آمریکا (همسایه‌ی ناخوانده) پس از استقلال‌خواهی این اقلیم در نزدیکی مناطق مرزی گردنشین ایران
۲	پشتیبانی مالی و نظامی از گروه‌های تجزیه‌طلب گردی و استفاده از توان نظامی آن‌ها در ایجاد ناامنی در مناطق گردنشین ایران
۳	استقرار پایگاه‌های جاسوسی آنان در این اقلیم با هدف ایجاد چتر اطلاعاتی و امنیتی در مناطق مرزی گردنشین ایران
۴	ترویج قومیت‌گرایی و تشدید تمایلات استقلال‌خواهی در مناطق گردنشین ایران
۵	تلاش در جهت ایجاد هم‌گرایی میان اکراد با هدف مقابله با نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی
۶	بهره‌برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی برای راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی با هدف تقویت حضور دائمی خود در مرزهای غربی ایران

(Wahab, 2017: 2-3)، (Majidiyar, 2017: 4)، (Ghanbari and Bayat, 2019: 171)، (Heidari and

(et.al., 2018: 122-123) و (Ahmadian and et.al., 2018: 22)

¹. Federalism

². Economic and Social Resources

³. Domestic Policies

⁴. Global Power

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اسرائیل و آمریکا همواره تلاش کرده‌اند از طریق گروه‌های قومی کشور را با بحران تجزیه‌طلبی مواجه سازند. این دو با به‌کارگیری از گروه‌های تجزیه‌طلب کردی به دنبال ایجاد شکاف قومی، واگرایی اقوام از دولت مرکزی و ناامن‌سازی مناطق مرزی گردنشین ایران بوده‌اند. در واقع بحران قومی در مناطق گردنشین ایران که باعث ناامنی و تضعیف تمامیت ارضی این مناطق شده، نتیجه‌ی آشکار مداخله‌ی اسرائیل و آمریکا بوده است. اسناد لانه‌ی جاسوسی آمریکا در سال ۱۳۵۸ فاش کرد که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها امیدوار بودند اگر کردها و سایر گروه‌های قومی با همدیگر همکاری کنند، می‌توانند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. بنابراین پیدایش گروه‌های تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک را می‌توان در چارچوب اهداف مقابله‌ی اسرائیل و آمریکا با انقلاب اسلامی و ایجاد بحران در مناطق گردنشین ایران ارزیابی کرد. حضور و نفوذ اسرائیل در این اقلیم مبتنی بر دکنترین محیط پیرامونی می‌باشد که به دنبال یافتن یک متحد جدید در خاورمیانه بوده است. این رژیم با حضور در این اقلیم درصدد است قلمرو مرزی خود را تا نزدیکی مرزهای غربی ایران گسترش دهد تا مانع نفوذ منطقه‌ای ایران گردد و با ایجاد بحران در مناطق گردنشین ایران پروژه‌ی مشابهی تجزیه‌ی عراق را در این مناطق رقم بزند و با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی و جغرافیایی این اقلیم زنجیره‌ی میان شیعیان را که از پاکستان تا لبنان امتداد دارد، قطع نماید. بدون شک اگر اسرائیل و آمریکا بتوانند وضعیت اقتصادی و معیشتی، سیاسی و فرهنگی اقلیم کردستان عراق را سروسامان دهند، طبعاً تأثیرات نامطلوبی بر اذهان کردهای ایران خواهد گذاشت.

اسرائیل و آمریکا با حضور خود در این اقلیم راهبرد فشار بر ایران را دنبال می‌کنند. زیرا جمهوری اسلامی همواره از حزب‌الله لبنان حمایت کرده و از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه آنان استفاده نموده، پس اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کنند با تشکیل گروه‌های شبه نظامی از اکراد، اهرم فشاری مانند حزب‌الله لبنان در منطقه علیه ایران به‌وجود آورند. هدف آنان از این استراتژی بهره‌برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی برای راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه و تقویت حضور دائمی نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود در مرزهای غربی ایران و کشورهای محور مقاومت می‌باشد. سناریوی استقلال‌خواهی کردها را باید سناریوی کردستان بزرگ نامید که کلیدزدن به یک حرکت قومی و اهرم فشاری در دستان اسرائیل و آمریکا برای کنترل ایران، عراق، ترکیه و سوریه است.

پیشنهادها

مرزهای غربی کشور کمربند قومیت‌هاست که با قومیت مشابه در آن سوی مرزها (اقلیم کردستان عراق) در تعامل هستند. برای این‌که مرزها در حوزه‌ی مسائل قومی ایمن شود، باید

اقلیت‌های قومی را در قدرت سیاسی مشارکت داد و بسترهای توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم ساخت. عامل اصلی اعتراض‌ها و تحرک‌های قومی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق کُردنشین ایران رخ داده، نارضایتی از نظام سیاسی و تضييع حقوق کُردها در قبل از انقلاب اسلامی بوده است. از این رو باید برای کاهش تهدیدهای امنیتی ناشی از حضور اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان عراق به نقش قومیت‌ها در نظام اداری به‌ویژه در مناصب سیاسی توجه نمود. نگاهی که مبتنی بر اعتماد و نه بی‌اعتمادی باشد. این استان از جمله مناطق کُردنشین است که در صورت فقدان انسجام داخلی به راحتی از ناحیه‌ی تهدیدهای خارجی آسیب‌پذیر می‌باشد و پیشینه‌ی این استان نیز گواهی بر این مدعاست. بنابراین برای کاهش پیامدهای منفی حضور اسرائیل و آمریکا در این اقلیم و آثار مترتب آن بر مناطق کُردنشین ایران موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱) به زیرساخت‌ها و توسعه‌ی اقتصادی مناطق کُردنشین ایران توجه گردد. باتوجه به مراوده‌ی تجاری ایران با اقلیم کردستان عراق و ترکیه، ایجاد مناطق آزاد تجاری در مناطق کُردنشین می‌تواند رونق اقتصادی را دربرداشته باشد. ظرفیت توریسم، ایجاد بازارچه‌های مرزی و حمایت از کوله‌بران یک گام مثبت در این مسیر است.

۲) گسترش مشارکت سیاسی فعال در مناصب سیاسی (سطوح محلی و ملی) باتوجه به اصل شایسته‌سالاری، تخصص و فعالیت احزاب قومی برای رقابت در عرصه‌ی سیاسی در چارچوب قانون اساسی.

۳) امنیت‌زدایی از مناطق کُردنشین و تلقی آن‌ها به‌عنوان مناطق فرهنگی: رهبری انقلاب در سفری که به استان کردستان داشتند، واژه‌ی استان فرهنگی را برجسته کرده و اجازه دادند اذان اهل تسنن از صدا و سیمای کردستان پخش گردد. ایشان کردستان را سرزمین علم و هنر، وفاداری و دلاوری دانستند و بر تدوین تاریخچه شهدا و علمای سرزمین کردستان که در راه وحدت و عزت به فیض شهادت رسیدند، تاکید کردند.

۴) به اقتصاد و معیشت مردم کُرد توجه شود. در حال حاضر اکثریت مردم مناطق کُردنشین ایران از طریق قاچاق کالا و مواد مخدر امرار معاش می‌کنند.

۵) برای رفع معضل بیکاری و اشتغال‌زایی مردم کردستان برنامه‌ریزی بلندمدت گردد.

References

1. Abdollahi Zia-al-Dini, M., et.al.. (2019). Pattern and Process of Ethnic Political Actions in Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 22(86), 7-30. **(In Persian)**
2. Abdul Rahman, S. (2015). *History of the Patriotic Union of Iraqi Kurdistan*. Translated by Saman Soleimani, Tehran: Nashr-e-Dat. **(In Persian)**

3. - Abed, S. (2017). The Kurdish Connection: Israel, *ISIS and U.S. Efforts to Destabilize Iran*, at: <https://sarahabed.com/2017/07/14/the-kurdish-connection-israel-isis-and-u-s-efforts-to-destabilize-iran>
4. Ahi, N. (2019). The Impact of Regional Developments in Iranian and Turkish Politics on the Ethnicity of the Kurds in Iraq, *Social Science Studies*, 5(1), 77-93. **(In Persian)**
5. Ahmadian, G., et.al.. (2015). The Arab Spring and the Status of the Iraqi Kurdistan Regional Government in the Middle East, *Iranian Journal of International Politics*, 7(1), 1-28. **(In Persian)**
6. Akhavan Kazemi, M., et.al. (2018). Analysis of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan and its Security Consequences for the Islamic Republic of Iran, *Research Journal of the Islamic Revolution*, 8(27), 19-40. **(In Persian)**
7. Alaviyan, M., et.al. (2019). Factors and consequences of economic corruption in the Iraqi Kurdistan region, *Journal of Security Knowledge*, 5(10), 33-50. **(In Persian)**
8. Asim, D. (2019). *Kurdish Independence*, at: [https:// www.politicalholidays.com/post/kurdish-independence](https://www.politicalholidays.com/post/kurdish-independence)
9. Bengio, O. (2017). Has Ierael's Support for Kurdistan's Independence Helped or Harmed the Kurds?. *BESA Center Perspectives Paper*, 637(1), November 9. at: [https:// besacenter.org/perspectives-papers/](https://besacenter.org/perspectives-papers/)
10. Blanchard, C. M. (2017). Kurds in Iraq Propose Controversial Referendum on Independence, *Crs Insight*. at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/IN10758.pdf>
11. Bora, B. (2017). What is behind the hostility between Iran and Turkey, at: <https://www.aljazeera.com/indepth/features/2017/02/hostility-iran-turkey-170225184418231.html>
12. Brandon, J. (2018). Party for Free Life in Kurdistan: The PKK's Iranian Wing Bides Its Time, at: <https://jamestown.org/program/party-free-life-kurdistan-pkks-iranian-wing-bides-time/>
13. Buzan, B. (1991). People, State and Fear, An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era, *Boulder Lynne Rienner*, Chapter 4.
14. Buzan, B., Waever, O. (2003). Regions and Powers, *The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
15. Buzan, B., Waever, O. (2009). *Region and Powers*. Translate by R. Ghahramanpoor, Tehran, Institute for Strategic Studies. **(In Persian)**

16. Cunningham, E. (2017). Iran's Leaders Opposed Kurdish Independence Vote in Iraq, *Iran's Kurds Celebrated on the Streets*. at: <https://www.washingtonpost.com>
17. Dorsey, J. M. (2018). Whither the Kurds in, *Europa Ethnica*, 75(1-2), at: <https://www.nomos-elibrary.de/10.24989/0014-2492-2018-12-64>
18. Driscall, D., Baser, B. (2019). Independence referendums and Nationalist Rhetoric: The Kurdistan Region of Iraq, at: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/01436597.2019.1617631>
19. Dziadosz, A. (2017). The Economic Case against an Independent Kurdistan, at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2017/09/kurdistan-barzani-iraq-turkey-blockade-oil/541149/>
20. Ghaed Rahmati, E., Faal, S. (2015). *Extremist Currents and Their Terrorist Threats*, Tehran: NAJA Social Studies Research Institute Publications, Second Edition. **(In Persian)**
21. Ghanbari, M., Bayat, B. (2019). Environmental Studies of Terrorist Threats in the Islamic Republic of Iran, *Political Science Quartely*, 14(46), 159-185. **(In Persian)**
22. Ghorbaninejad, R. (2019) Study and Analysis of Structural Characteristics of the State Government of Iraqi Kurdistan, *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 11(4), 560-580. **(In Persian)**
23. Hawramy, F. (2020). Environmentalist, Intellectual, PJAK fighter: The Life and Death of Rebwar Gholizadeh, at: <https://www.rudaw.net/english/kurdistan/210720201>
24. Heidari, A., et.al. (2015). Israel's Strategy in Iraqi Kurdistan and the Concerns of the Islamic Republic of Iran, *Islamic Revolution Studies*, 15(54), 109-128. **(In Persian)**
25. Khosravi, A., Asadi, A. (2018). Kurdish independence in Iraq, structural analysis and scenarios, *Strategic Studies Quarterly*, 21(3), 185-212. **(In Persian)**
26. Khosravi, J., Kalhori, J., and HamehMorad, L. (2016). The Presence of Israel in Iraqi Kurdistan and its Security Challenges for Iran's National Security, *Journal of Politics and Law*, 9(7), 169-177. **(In Persian)**
27. Liga, A. (2017). The Israel Factor and the Iraqi Kurdish Quest for Independence. *Instituto Affari Internazionali (IAI)*, October. at: <https://www.iai.it/en/publicazioni>
28. Majidiyar, A. (2017). Iran and Turkey Discuss Ways to Cooperate in Syria and Iraq, at: <https://www.mei.edu/publications>
29. Mohammadi, M. (2018). The Contexts and Mechanisms of Intelligence Action of the

- Occupying Regime of Quds against the Islamic Republic of Iran in the years 2004-2014, *Regional Studies*, 18(3), 45-84. **(In Persian)**
30. Moradbeigi, H. (2019). *The Living History of Kurdistan and the Left and Nationalism*. Tehran: Nasim Publications, Second Edition. **(In Persian)**
31. Moradi, J. (2019). Study of the causes of the Presence of the advisor of the Islamic Republic of Iran in Syria, *International Studies Journal (ISJ)*, 16(3), 1-21. **(In Persian)**
32. Moradian, M. (2019). Retaliatory attack of the IRGC on the Headquarters of Kurdish Parties in the Iraqi Kurdistan Region, Political Effects and Military Ealue, *National Security Watch*, 88(2), 55-60. **(In Persian)**
33. Mousavifard, M., et.al. (2019). A Look at the Conflict of Thought and Action against Women in Terrorist Groups in Opposition to International Laws and Conventions with Emphasis on PJAK's Performance from Pukk, *Journal of Science and Engineering Elites*, 4(6), 1-13. **(In Persian)**
34. Mulhem, S. (2017). Independent Kurdish State Unviable in Current Political Climate. at: <https://sputniknews.com/analysis/201710031057896686>
35. Naderi, M. (2019). *Democratic Party of Kurdistan of Iran*. Tehran: Publications of the Institute for Political Research Studies, 2th edition. **(In Persian)**
36. Nadimi, F. (2017). Iran's Military Options against Kurdish Independence, at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/irans-military-options-against-kurdish-independence>
37. Naqibzadeh, A. (2019). *History of Diplomacy and International Relations from the Westphalian Pact to the Present*. Tehran: Qoms Publishing, 17th edition. **(In Persian)**
38. Nasri, Q., Rezaei, D. (2019). The most important threats to the Islamic Republic of Iran in the Iraqi Kurdistan Region, *Strategic Studies Quarterly*, 9(37), 168-197. **(In Persian)**
39. Nikofar, J., et.al. (2015). The Impact of Internal Disputes Among Kurdish Parties on the Failure of the Independence of Iraqi Kurdistan, *Political Research in the Islamic World*, 8(4), 77-109. **(In Persian)**
40. Osiur, R. (2015). *An Analysis of the Regional Security of South Asia in Post 9/11 Period: Regional Security Complex Theory Approach*. Eastern Mediterranean University September 2015 Gazimağusa, North Cyprus.
41. Rajabi, M. (2019). The Position of the Iraqi Kurdistan Region in the Regional Policies

- of the United States of America in West Asia, *Political Research in the Islamic World*, 9(2), 27-52. **(In Persian)**
42. Rubin, M. (2019). Will the United States ever Support Kurdish Independence?. at: <https://www.aei.org/research-products/book/will-the-united-states-ever-support-kurdish-independence/>
43. Saleem, Z. A. (2017). Iran and Iraqi Kurdistan: Heading Toward Confrontation. at: <https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view>
44. Stansfield, G. (2018). Turkey's attack on Syrian Kurds Could Overturn the Entire Region, at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/jan/28/>
45. Sumer, F., Joseph, J. (2018). The Paradox of the Iraqi Kurdish Referendum on Independence: Contradictions and Hopes for Economic Prosperity, at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13530194.2018.1430533>
46. Torabi, G., Taherizadeh, M. (2019). Dominant Regional Trends and the Future of Order in the Middle East. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(2), 7-29. **(In Persian)**
47. Valdebeigi, B. (2016). *On the Storm: Mulla Mostafa Barzani as Narrated by the Iranian Press*. Tehran: Third Edition. **(In Persian)**
48. Wahab, B. (2017). Why Israel Is Cheering On Iraqi Kurds, Push for in The Complications of Kurdish Independence. at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/>
49. Wojnarowicz, M. (2017). Israel and the Kurdish Question, <https://www.cceol.com/search/gray-literature-detail?id=577433>
50. Yadround, M., et.al. (2019). The Referendum on the Independence of the Kurdistan Region and the Emergence of a Balance of Threats in Iran-Turkey Relations, *Nations Research*, 4(41), 25-42. **(In Persian)**
51. Zaki, Y., et.al. (2019). Factors Affecting the Security Approach in the Management of Border Areas of Kurdistan Province, *Geography*, 17(62), 41-60. **(In Persian)**

